



۲۰۲۰/۰۳/۰۲

اختر محمد یوسفی

تقلید کور کورانه "اسلام" سیاسی در افغانستان؟

اعراب با ایجاد ساختار دولتی مذهبی در طی قرن‌ها برای تصرف سرزمین افغانستان امروزی لشکرکشی نمودند،



سرزمین امروزی افغانستان در آن زمان یکی از مهمترین و بزرگترین مراکز تمدن بودایی در براعظم آسیا بود. تصرف آن زمان افغانستان کار آسان نبود. هر بار که لشکرکشی‌های اعراب به مقصد تصرف سرزمین امروزی افغانستان صورت گرفته با مقاومت سرسخت ساکنان آن روبرو گردیده و لشکرکشی‌های اعراب شکست خورده بودند. در عکسهای زیر شما تصاویر از آثار تمدن‌های بزرگ بودایی در افغانستان را می‌بینید.



یکی از علل شکست‌های لشکرکشی‌های پی‌در پی اعراب بدوی در برابر تمدن بودایی در سرزمین امروزی افغانستان در آن بوده که مراکز بودایی و حوزه‌های مدنی بودایی از پیشرفتهای علم و تکنیک همان عصر بمراتب از اعراب بدوی پیشرفته‌تر بودند و اعراب نتوانستند افغانستان را به آسانی اشغال کنند. اعرات در زمان خلفای راشدین از سال ۶۳۲ تا سال ۶۶۱ میلادی، در مدت ۳۰ سال، قلمرو آسیای امپراتوری بیزانس را تا دمشق، شام و مصر و افریقای شمالی را تا عراق، ایران الی سرحدات افغانستان را فتح نمود. اعراب در زمان حکمروایی اموی‌ها تنها نتوانستند از مسیر هرات تا بلخ در شمال افغانستان امروزی عبور کنند، مگر لشکرکشی‌های متعدد اعراب در آن زمان نتوانستند قسمتی از سرزمین‌های امروزی افغانستان مرکزی، جنوبی و شرقی را تصرف نمایند. با سقوط دولت امویان در زمان حکمروایی امپراتوری پنج قرن خلافت عباسیان بود که ابومسلم خراسانی در وقت سلطه امپراتوری عباسیان توانست بکمک سران و رجال برجسته سرزمین امروزی افغانستان مذهب اسلام را در افغانستان نفوذ دهد.

امپراتوری عباسیان در امور دولت دارای، فرهنگ خود را داشتند، امپراتوری عباسیان در امور دولت داری خود مانند خلافت اعراب نبود.

قبل از آنکه پیرامون تقلید کور کورانه "اسلام" سیاسی در افغانستان معاصر بحث مختصر نمایم، توجه شما را بصورت عموم با شکل مقایسوی دولتهای مذهبی با پیشرفتهای تحولات ارزشمند و تجارب ایجاد ساختار سیاسی - اجتماعی دولتهای سکولار (جدایی مذهب از سیاست) که ممثل دولتهای مدرن پیشرفته در قرن بیستم و بیست و یکم میلادی در جوامع بشری می باشد جلب نمایم.

تسلط طولانی تاریخی ایدیولوژیک مذهبی در حاکمیت دولتها بعد از خلفای راشدین فکتور مذهبی در ایجاد و پیشبرد امور دولتی نه تنها آنکه امتیازات خاصی را برای اقلیت بالایی رهبران مذهبی به شکل غیرعادلانه آن در جوامع بوجود آوردند، بلکه در عین زمان، اختلافات دینی و مذهبی را به شکل افراطیت مذهبی در بین پیروان ادیان رشد بیسابقه دادند که باعث جنگهای خونین مذهبی و قتل میلیونها انسان بیگناه در جوامع بشری گردیده است. بگونه مثال لشکر کشی های ترکان عثمانی در اروپا براساس اختلافات مذهبی صورت گرفت که در آن پیروان بیگناه مذاهب مختلف یکدیگر خود را با اوامر رهبران مذهبی در جنگها کشتند. در اروپای جنوبی بخصوص در اسپانیه و پرتغال در نتیجه جنگهای مذهبی پیروان مذهب اسلام و عیسوی ساختمان های اماکن عبادات مساجد و کلیسا ها را به آتش زدند. هنوز هم بقایای ساختمان هایی وجود دارد از کلیسا به مسجد و از مسجد به کلیسا بارها تبدیل گردیده است. این تبادل اماکن مقدس بارها مانند مسجد اقسا در فلسطین و مسجد آیودیا (مسجد بابری) در هندوستان کشتار و خونریزی بیشماری را با خود همراه داشتند. در حال حاضر وارثین ترکان عثمانی در کشور خویش در عرض دولت و قانون مذهبی، دارای قانون و دولت سکولار هستند. ساختار دولت و قوانین در ترکیه سیاست را از مذهب جدا ساختند که اکنون پیشرفت و ترقی را کشور شان پیاده کرده اند.

هرگاه به تاریخ گذشته اختلافات و قدرت طلبی حکمروایی دولتهای مذهبی در جوامع بشری عمیقاً نگاه کنیم بوضاحت دیده می شود که نقش قدرت طلبی دولتهای مذهبی ویرانی های زیادی را در حیات جوامع بشری بوجود آورده و راه جدایی سیاست از مذهب را برای منافع ملی خویش لازمی شمرده اند. دولت های سکولار بحیث بدلیله عادلانه در قرن بیستم و بیست یکم میلادی پای عرصه وجود نهاده است.

جدایی دین از سیاست آنطوریکه افراطیون تبلیغ میکند عدم پیروی از دین نیست بلکه بر عکس آزادی های ادیان در قوانین دولتی کشور سکولار تسجیل گردیده و پیروان مذاهب مختلف در سرزمین مشترک خویش مناسک دینی خود آزاده ادا می نمایند.

در تاریخ طولانی دولتهای مذهبی در نتیجه اختلافات مذاهب اسلامی و غیر اسلامی با پیروی از طرز دید افراطیت مذهبی در بین پیروان مذاهب مختلف بشمول دو مذهب اسلامی اهل سنت و پیروان مذهب جعفریه وجود دارد که میلیونها پیرو هر مذهب بیگناه به قتل رسیده است. جنگهای سال ۱۹۹۳ میلادی در کابل بین پیروان اهل سنت برهبری عبدالرسول سیاف و پیروان مذهب جعفریه برهبری عبدالعلی مزاری که از حمایت مستقیم عربستان سعودی و ایران برخوردار بودند جنایات هولناک صورت گرفته است که یکی از نمونه های بارز جنایات ضد بشری جنگهای مذهبی شمرده می شود.

ایجاد دولتهای مدرن سکولار در قرن بیستم و بیست یکم میلادی عبارت از جداساختن سیاست از مذهب همگام با انقلابات اجتماعی بود که دولتهای مدرن سکولار را بوجود آوردند. در یک کشور سکولار، دولت و قوانین درباره

دین و مذهب بی‌طرف عمل می‌کنند، و در هیچ فرقه یا مسلکی رسماً ترجیح نمی‌دهند. در یک کشور سکولار، به طور رسمی به افراد در یک کشور سکولار خاصی بخاطر داشتن دین و مذهب ارزش خاص امتیازی داده نمی‌شود. در کشور سکولار دین و مذهب یک امر شخصی محسوب می‌گردد و در اجرای مناسک دینی و مذهبی اجباری وجود ندارد، بلکه حقوق تمام اتباع توسط قانون یکسان عادلانه عملی می‌شود. افراطیت مذهبی تنها و تنها مختص در بین پیروان دین مقدس اسلام نیست، بلکه افراطیت مذهبی در سایر ادیان و مذاهب نیز وجود دارد که مشکلات زیادی را برای پیروان دینی خود و پیروان سایر ادیان در جوامع بشری را بوجود آورده اند.

مردم مؤمن افغانستان قرن‌ها در کشور آبایی خویش در عدم موجودیت افراطیت مذهبی با پیروان سایر اقلیت‌های مذهبی هندو، سیک، یهود، اسماعلیه و غیره با اتباع کشور خود بدون خشونت با صلح و همزیستی زندگی کرده بودند.

افراطیون مذهبی در اثر تحریکات بیگانگان در چند دهه اخیر دست به اعمال افراطی مذهبی "اسلامی" در کشور به شیوه های انارشیستی و جنگ زدند. افراطیون مذهبی میهن زیبای افغانستان را به پرتگای نابودی سوق داده اند. تحریکات افراطیون مذهبی "اسلامی" هیچ نوع رابطه با اوامر دین مقدس اسلام و قران پاک الهی ندارد.

هر با نتایج عملی ناکام پیروان اخوان المسلمین و وهابی ها در مصر و عربستان سعودی ببینیم، محصول پیرو طرز دید اخوان المسلمین وهابی مصر و عربستان سعودی سازمان القاعده و داعش است، که بجز کشتار بیگناهان و ویرانی سرزمینهای کشورهای اسلامی هیچ چیز دیگری بجز تخریب دین اسلام و بدنامی مسلمانان با خود به ارمغان ندارند.

تنظیم های "جهادی" افغانستان مقیم پاکستان بشمول طالبان که اکثریت اعضای آنان را اهل تسنن تشکیل میدهند بکمک دستگاه استخباراتی آی. اس. آی. پاکستان و عربستان سعودی روابط عمیق خود را با افراطیون "اسلامی" اساس گذاشتند. تنظیم های "جهادی" افغانستان بشمول طالبان در طی چهار دهه جنگ در کشور از حمایت مستقیم سازمان القاعده، داعش و سایر تروریستان بین المللی برخوردار بودند.

با سقوط دولت محمد رضا شاه در سال ۱۹۷۸ میلادی مطابق ۱۳۵۷ شمسی در ایران خمینی دولت و قوانین را براساس مذهب شیعیه گذاشت و نام آنرا هلال شیعیه نامید. هدفش از ایجاد هلال شیعیه بوجود آوردن امپراتوری شیعیان در کشورهای اسلامی شرق میانه چون عراق، بشمول افغانستان بود. خمینی بدین منظور شبکه استخباراتی سپاه قدس را ایجاد و شاخه آنرا برای حمایت پیروان خط "امام" و مدارس آن در نقاط مرکزی، شمال و شمال غرب در بین مناطق مسکونی شیعیان افغانستان توظیف ساخت. "حزب" وحدت و فارغ التصلیلان مدرسه قم بشمول طیف متحدان آن از حمایت مستقیم ایران و سپاه پاسداران برخوردار هستند که در تداوم جنگ در افغانستان نقش دارند.

پیروان افراطیون مذهبی "حزب" وحدت به رهبری کریم خلیلی و محمد محقق، شورای نظر به



رهبری عبدالله عبدالله و گلم جمان رشید دوستم که از حمایت مستقیم ایران، روسیه و ترکیه برخوردار هستند با طالبان و سایر حلقه‌های افراطی "جهادی" که از حمایت پاکستان و اعراب برخوردار هستند دو روی یک سکه هستند، که در بغاوت و انارشی در افغانستان نقش تخریبی را بازی می‌کند.

عباس ستانگزی یکی سخنگویان طالبان در نقش گودی کوکی آی. اس. آی. در قطر میلس با لباس کارخانه استخباراتی آی. اس. آی پاکستان با امضا توافقتنامه غیر قانونی طالبان با امریکا که هنوز رنگ قلم در روی کاغذ توافقتنامه خشک نشده است مغرور گردیده است. عباس ستانگزی باز خواب های امارت حکمروایی وحشت طالبان را می بیند.

طالبان خلاف تمام تحولات ارزشمند تجارب ساختار اجتماعی دولتهای مدرن قرن بیست و بیست یک میلادی جوامع بشری خواهان ساختار دولت مذهبی بدوی امارت "اسلامی" در افغانستان هستند که آنرا در توافقتنامه "صلح" با امریکا گنجانیده است.

عباس ستانگزی خودش یکی از جنایتکاران طالب است که غیر مسؤولانه مواد توافقتنامه با امریکا و موجودیت قوانین افغانستان را نادیده گرفته و با شیوه بلند پروازانه انارشیمیستی می خواهد ملت غیور افغانستان دوباره فرمان بردار وحشت طالبان باشد.

پای

*** **

تقلید کور کورانه "اسلام" سیاسی در افغانستان؟

